

میراث اسلامی از تحولات نظامی ایران

نیاز به برنامه‌های اصلاحی در ایران از عرصه نظامی و احساس ضعف در توانمندیهای مورد نیاز آن، نمایان گردید و نخبگان کشور را متوجه آسیبها و چالشهای ناشی از عقیماندگی ایران و قدرتمندی بیگانگان — خصوصاً در عرصه نظامی — کود اقدامات اصلاحی در زمینه ساماندهی قوای نظامی با موانع متعددی روپرورد که مهم‌ترین آنها، فقدان ظرفیت حکومت برای اصلاح و ارتقای قابلیتهای کشور در قلمروهای مختلف و از جمله کسب توان دفاعی بود. تصمیمات اصلاحی عمده‌ای مبنی بر درگی سطحی و ظاهربینانه از تحولات پیرامونی بودند. نویسنده در این مقاله، موانع اصلاحات نظامی را در دوره ناصرالدین شاه قاجار بررسی کرده است.

ایل قاجار قرنها قبل از آنکه به رهبری آقامحمدخان به سلطنت دست یابد، همواره برای خود، نظامیان و جنگاورانی داشته است که تحت نظر و فرماندهی سرکردگان ایل به پیکار و دفاع می‌پرداختند. حضور ایل قاجار در قشون عصر صفوی و شرکت آنان در جنگهای داخلی (بر ضد گردنه‌شان و مدعاون سلطنت) و جنگهای خارجی (بر ضد عثمانی و ازبکان) نشان‌دهنده توان بالای نظامی آنان است. همین توان نظامی سبب شد که قاجارها یکی از گروههای مشکل نظامی نام‌آور آن دوران گردند. این ایل ظاهرا در پیته رقابت‌های درونی مداخله نمی‌کردند، اما قدرت بالقوه آنان که از دو عامل فزوئی نفرات و بی‌باکی و چانک‌سواری سرچشمه می‌گرفت، شاهعباس را آشفته‌خاطر می‌ساخت و بهمین دلیل او به منظور تضعیف این ایل، آنها را در نقاط مختلف پراکنده کرد. با وجود این تفرقه، ایل قاجار همچنان از عشایر نیرومند به شمار می‌آمد و برخی از سران آن از شخصیتهای نظامی مشهور عصر صفوی بودند.

بنابراین برای بررسی ریشه‌های پیدایش و شکل‌گیری نیروهای نظامی در دوره قاجار، می‌بایست عصر صفوی و تشکیل اتحادیه قزلباش را مدنظر قرار داد. قزلباشان و سایر نیروهای نظامی در دوره صفوی و ادوار پس از آن خاستگاه ایلیاتی داشتند. با توجه به این امر می‌توان قشون سنتی ایران را به طور کلی برخاسته از نیروهای ایلیاتی دانست. مجموعه نظامی قشون سنتی، نظم، نهاد، ایزار، روشها و اخلاقیات ویژه خود را داشت و در جدول ارزشهای حاکم بر جماعت‌های سپاهی، رقایتها، کینه‌ها، نامردها و دشمنی‌های خانگی از یکسو و شجاعتها، از خود گذشتگی‌ها و مردانگی‌ها از سوی دیگر، حد و رسم پیدا می‌کرد.

خشون سنتی ایران با این توصیفاتی که شرح آن گذشت، در جنگ با قوای بیگانه و بر اثر ارتباط با آنان در معرض تحولاتی قرار داشت که پذیرش آنها به دگرگونی سازمان، وظایف و فنون نظامی منجر

می‌شد. البته در بوجود آمدن این تحولات، شخصیت فردی، اجتماعی و نظامی سرکردگان قشون و کارگزاران حکومتی نیز تأثیر داشته است.^۲ وقوع برخی رویدادهای درون‌مرزی و برون‌مرزی در عصر قاجاریه از جمله آغاز جنشهای مشروطه‌خواهی و استقلال‌جویی در نقاط مختلف جهان و ضعفهای درونی نظام قاجاریه بهویژه شکستهای نظامی پیاپی ایران (در اواخر سده هیجدهم و اوایل سده نوزدهم) موجبات توجه نخبگان فکری و حکومتی به مساله اصلاحات و نوسازی را فراهم ساخت. پیشوان نوخواهی دریافتند که پیشرفت‌های علمی و فنی در جنگ و دیگر جنبه‌های زندگی برتری اروپایان را سبب شده است و اگر ایران بخواهد به زندگی خود ادامه دهد، باید اقدامات اساسی در نوسازی، نظام اداری، ارتش، نظام مالیاتی، آموزش و پرورش و سایر نهادها انجام دهد.^۳

اندیشه اصلاحات پس از جنگهای ایران و روس در تبریز جان می‌گیرد؛ شهری که به تغییر قائم مقام، شعر و تاریخ‌خواش، حرف توب و سرباز است و آیه و حدیث ش جهاد و غزای قفقاز و صالات. این سخنان اشاره‌ای است به مساله بحران خیز بودن تبریز، بهویژه در آن هنگامی که این شهر خط مقدم جبهه جنگ با قوای عثمانی و روسیه بود.^۴

بدون شک جنگ عرصه‌ای برای آزمودن توانمندیها و بی‌بردن به نقاط ضعف و عوامل آسیب‌زاست، این در تاریخ نظامی ایران بی‌سابقه نیست. برای نمونه در زمان صفویه، مواجهه لشکریان ایران با عثمانی بهویژه در نبرد چالدران، ضعف مفترط ایرانیان را در دسترسی نداشتند به سلاح اتشین شان داد، به طوری که حکام صفویه در صدد برآمدند ارتش را مدرنیزه کنند. با افول خاندان صفوی مجدها نیروی نظامی ایران رو به قهره رفت و هنگام سلطنت قاجاریان کاملاً به شکل سنتی خودش بازگشت.^۵

هنگام روپارویی ایران و روسیه، ضعف شدید قوای نظامی ایران آشکار شد و اصلاح طلبان پیشگام، نظیر عباس‌میرزا، قائم مقام و امیرکبیر، در راه برطرف ساختن کاستی‌های اقدامات اصلاحی مهی انجام دادند. اما مرگ عباس‌میرزا و سپس کشته شدن قائم مقام و امیرکبیر به دستور شاهان قاجار روند اصلاحات را با موانع جدی مواجه ساخت.

پیش از پرداختن به عوامل موثر در شکست اصلاحات و نابسامانی قشون در عهد قاجاریه، ضروری است در مورد ساختار نظامی ایران در این دوران مطالعی ذکر شود.

ساختار نظامی ارتش ایران در دوره قاجاریه بر سه بخش استوار بود: ۱— پیاده‌نظام — ۲— نیروهای ایلیاتی که عمدتاً سواره‌نظام بودند — ۳— توپخانه. پیاده‌نظام مهم‌ترین رکن ارتش بود و شکل سربازگیری آن به صورت بنیجه اعمال می‌شد. براساس این نظام هر



بنیانگذار اصلاحات نظامی در ایران عباس میرزا و میرزا بزرگ قائم مقام بودند. انگیزه این پیشگامان از اصلاحات، افزایش توان دفاعی ایران در مقابله با متجاوزان، بهویژه روسها، بود. فرانسه و انگلیس در مساله اصلاحات نظامی به یاری ایران آمدند، البته محرك آنان علایق و منافع سیاسی بود. هسته مرکزی ارتش ایران به دست صاحبمنصبان فرانسوی ایجاد شد، اما تحولات سیاسی اروپا آنها را از صحنه ایران خارج و انگلیسیها را جانشین آنها ساخت.

یکی از جنبه‌های مهم ضعف نظام ایران، بی‌لیاقت صاحبمنصبان و کارگزاران نظامی بود در این زمینه سرهنگ شیل می‌نویسد: «به همان اندازه که سرباز ایرانی خوب است، صاحبمنصبه مزخرف است. به جز افسران توجیه و عده محدودی که باقی‌مانده تعليم یافته‌گان مشا凡 انگلیسی هستند، بقیه صاحبمنصبان به یک پول سیاه نمی‌ارزند، خاصه خرجی و رشو پایه ترفیعات لشکری را می‌سازد. کسی که چهل پنجاه سال عمرش را در امور غیرنظامی گذراند، یکباره تغییر شکل می‌پذیرد و به مقام سرهنگی و سرتیپی و حتی سرلشکری مرسد و گاه به فرماندهی کل قشون منصوب می‌گردد.»^۶

مجدالملک نیز در رساله مجده، علت نابسامانی امور نظامی را سوء مدیریت و تحمیلات ناگوار کارگزاران حکومتی می‌داند و از واگذاری امور مالی قشون به وزارت مالیه که مستوفی‌الممالک در راس آن قرار دارد، انتقاد می‌کند. وی به دلیل وضعیت اسفبار زندگی نظامیان، آنان را مظلوم‌ترین طبقات ایران بهشمار می‌آورد و این امر را ناشی از گسترش فساد و تباہی در ارکان ارتش و شیوه‌های نادرست مدیریت صاحبمنصبان نظامی می‌داند. گستره فساد در ارتش به حدی رسیده بود که فرد اصلاح طلبی چون مجدالملک هم امیدی به بیهود آن نداشت و صرف هزینه برای تغهداری از آن را، تلف کردن منابع مالی می‌دانست. دلایل این ناامیدی را می‌توان از عباراتی دریافت که وی در توصیف ارتش عصر ناصری می‌آورد. «در این وزارت [منظور وزارت جنگ است] هم مثل وزارت مالیه دزدان زبردست برای بردن حقوق نوکر تربیت شده، همه ماموریت دارند که آنچه به هر اسم و رسم از بابت مخارج قشونی به خرج ولایات آمده، به تمام ضبط کنند... تا وزارت جنگ ایران به این خسوف و کسوف مبتلاست، پادشاه ایران پول خود را به مصارف قشون و مهمات خوبیه ضایع نکند، زیرا پول در خزینه سلطان پهتر که در دفینه صاحبمنصبان.»^۷

با این چشم‌اندازی که از اوضاع نظامی ایران ترسیم شد، دغدغه اصلاح طلبی پیشگامان اصلاحات و ارزشیابی اقدامات آنان بهتر درک خواهد شد. بنیانگذار اصلاحات نظامی در ایران عباس میرزا و میرزا بزرگ قائم مقام بودند. انگیزه این پیشگامان از اصلاحات، افزایش توان دفاعی ایران در مقابله با متجاوزان بهویژه روسها بود. فرانسه و انگلیس در مساله اصلاحات نظامی به یاری ایران آمدند، البته محرك آنان علایق و منافع سیاسی بود. هسته مرکزی نظام ایران به دست صاحبمنصبان فرانسوی ایجاد شد، اما تحولات سیاسی اروپا آنها را از صحنه ایران خارج و انگلیسیها را جانشین آنها ساخت. هیاتهای انگلیسی به ایران آمدند و در بی‌آن اقدامات عمداء در اصلاح نظام انجام شد. از جمله این اقدامات می‌توان به ورود سلاحهای جدید،

روستا، بخش یا طایفه معهد بود که متناسب با برآورد درآمد خود سرباز مورد نیاز پادشاه نظام را تأمین کند. لباس پیاده‌نظام معمولاً یک شکل بود و اگر دیر به دست سرباز می‌رسید، با حالت زشتی وصله و پینه می‌شد. سلسله‌مراتب نظامی در پیاده‌نظام از کمترین مقام به بالاترین مقام عبارت بود از: سرباز، سرجوخه، وکیل، طبل‌باشی، موذن‌باشی، شبیورچی‌باشی، مفتش، نایب بیراق‌دار، آجودان، سلطان، باور دوم، یاور اول (سرگرد، مازو)، سرهنگ (کلنل)، سرتیپ سوم، سرتیپ دوم، سرتیپ اول (میرپنج).^۸

در میان واحدهای نظامی ایران در عصر قاجار توجه کمتری به نیروی دریایی شده است. در آغاز قرن ۱۳ هـ ق. چند کشته کوچک که مامور محافظت از کرانه‌های خلیج فارس بود، نیروی دریایی ایران را تشکیل می‌داد. همین چند کشته نیز به علت اختشاشات داخلی و موانع سیاسی خارجی از میان رفت. برای محافظت از کرانه‌های دریایی خزر، بهاستنای زمانی کوتاه، دولت ایران رسماً هیچ نوع کشته‌ای در اختیار نداشت.^۹

وضعیت ادارات مختلف نظام نیز رقت‌آور بود. فقدان اثمار مخازن، سربازخانه، مریض خانه، ناگاهی از فنون جنگی، فتقنامه‌های میرزا همه از نابسامانی اوضاع قشون و ضرورت وقوع اصلاحات در آن روزگار حکایت می‌کرد.

ناصرالدین شاه در دو میان سفر اروپایی اش تحت تاثیر لباسهای شکیل و برآزندۀ قزاقان روسی، شیفتۀ آنان شد و دستور تشکیل نیروی قرقاچ ایرانی را صادر کرد. از آنجایی که ناصرالدین شاه صرفاً شیفتۀ ظواهر تمدن فرنگ بود، همین پوسته‌های ظاهری را در اقدامات اصلاحی اش مدنظر قرار می‌داد. در مجموع می‌توان گفت اصلاحات در منظومه فکری ناصرالدین شاه با آنچه اصلاح طلبانی چون امیرکبیر در نظر داشتند، از نظر ماهیت و هدف کاملاً متفاوت بود

برپایی کارخانه توب‌پریزی و تفنگسازی در آذربایجان، و انجام تغییراتی در لباس سربازی اشاره کرد.

در قشون ایران علاوه بر افسران انگلیسی، افراد فرانسوی و لهستانی و حتی روسی نیز خدمت می‌کردند. توجه عباس‌میرزا به استخدام صاحب‌منصبان لهستانی و اعتمادش به آنها به‌خاطر دشمنی لهستانی‌ها یا روسها بود. یکی از آنان زنراو بروسکی (Borowski) بود که در جنگ اول هرات کشته شد و در بی‌آن دولت ایران مستمری و تیول در حق فرزندانش برقرار کرد. پسر بروسکی نیز به خدمت ایران در آمد و معلم دارالفنون شد. اخلال و کارشکنی‌های افسران انگلیسی در جنگ هرات، سبب شد دولت ایران نسبت به آنها بی‌اعتماد و بدین‌شود. از این‌رو محمدشاه به استخدام صاحب‌منصبان فرانسوی رغبت بیشتری پیدا کرد.

در مورد حضور افراد نظامی روسی در قشون ایران باید افزود که در زمان عباس‌میرزا نزدیک به هفتصد، هشتصد نفر سپاهی فراری روسی به ایران پناه جستند، که قسمت منظمی را تشکیل می‌دادند.^{۱۰}

اصلاحات نظامی امیرکبیر

امیرکبیر برای اصلاح وضع نظامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرد و حتی برای اصلاح سپاه ایران، منصب امیرنظامی را که درواقع رسیدگی به امور جنگ بود، شخصاً عهدهدار شد. پسندیدگی به از اطلاعات نظامی، یهودیه هنگامی که در آذربایجان در خدمت وليعهد ادای وظيفه می‌نمود، و تماس وی با مستشاران نظامی بیگانه، که از زمان عباس‌میرزا و محمدشاه برای تعلیم و تربیت لشکریان ایران در تبریز بودند، تجربیات ارزنده‌ای (در آغاز کار خطیر اصلاحات) برای وی فراهم آورد. در این میان، مسافرت وی به روسیه و مشاهده تشکیلات نظامی و کارخانجات مهمات‌سازی آن کشور نیز در ترغیب وی برای اصلاحات موثر افتاد.

مهم‌ترین اقدامات اصلاحی امیر در امور نظامی عبارت است از:

۱. اصلاح هیات قواندھی و تربیت



مبارک اعلیحضرت پادشاهی و استیزان از رای اقدس ملوکانه امضای امری را نخواهند کرد.^{۱۵}

نمونه‌ای دیگر از اقدامات اصلاحی ناصرالدین شاه تأسیس بریگاد فرقان در ایران بود. ناصرالدین شاه در دومین سفر اروپایی‌اش تحت تأثیر لباسهای شکل و برازنده فرقان روسی، شیفته آنان شد^{۱۶} و دستور تشکیل نیروی قزاقی ایرانی را صادر کرد. از آنجانی که ناصرالدین شاه صرفاً شیفته ظواهر تمدن فرنگ بود، همین پوسته‌های ظاهری را در اقدامات اصلاحی‌اش مدنظر قرار می‌داد. در مجموع می‌توان گفت اصلاحات در مقوله فکری ناصرالدین شاه با آنچه اصلاح طلبانی چون امیرکبیر در نظر داشتند، از نظر ماهیت و عدف کاملاً متفاوت بود، استبداد شاه و خودکامگی وی با روحیه اصلاح طلبی ساخت نداشت. از این‌رو رویکرد ناصرالدین شاه به اصلاحات، سطحی، منفعت طلبانه و فاقد عمق و محتوا بود.

پی‌نوشت‌ها

* عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند.

۱- ناصر تکمیل همایون، تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱

۲- همان، صص ۱۳۱-۱۲۹

۳- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۱؛ نیز رک: رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ۱، تهران، ستدوه، ۱۳۷۴، ص ۱۰

۴- جواد طباطبائی، تأمل درباره ایران، مکتب تبریز و مقدمات تجدیدخواهی، تبریز، ستدوه، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱

۵- جلال فرهمند، «قشون دولت علیه ایران»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۹، ش ۳۶، زمستان ۸۴

۶- همان، ص ۲۹۳-۲۹۴

۷- غلامرضا وهرام، تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین، ۱۳۶۹، ص ۱۱۴

۸- فردیون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، ص ۲۷۸

۹- جواد طباطبائی، همان، ص ۴۶۸-۴۷۰

۱۰- فردیون آدمیت، همان، ص ۲۸۸

۱۱- همان مبنی با تلحیص، صص ۳۰۲-۲۸۹. در این زمینه، نیز رک: علی‌اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیبلوماسی ایران از ماهده ترکمنچای تا عهدنامه صلح پاریس، ج ۲

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۹۴-۱۹۲

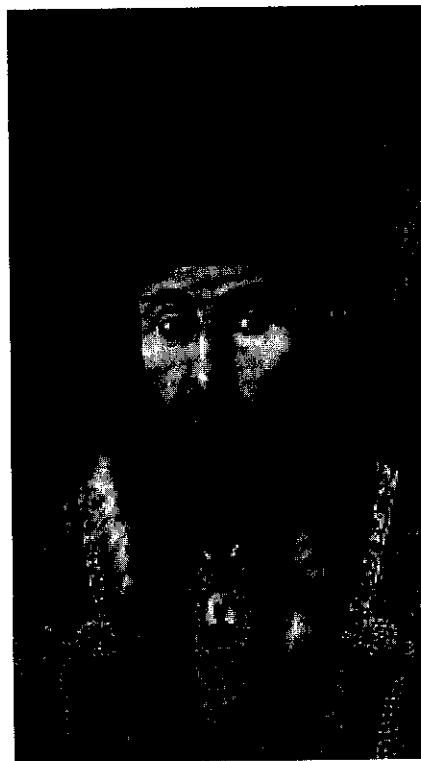
۱۲- عبدالهادی حائری، نخستین روابردهای اندیشه‌گران ایران با دو روبه تمدن بوروزی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۱۴

۱۳- موریس دوکوتز بوئه، مسافرت به ایران، ترجمه: محمد هدایت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸، ص ۱۰۵

۱۴- جواد طباطبائی، همان، ص ۴۴۰؛ نیز رک: عباس امانت، قبله عالم، ص ۴۸۰

۱۵- عباس امانت، قبله عالم، ص ۴۶۸

۱۶- علیرضا علی‌بابایی، تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران، آشتیان، ۱۳۸۲، ص ۷۴



۱۱- تأسیس کارخانه مهمات‌سازی در امیرآباد تهران؛

۱۲- ساخت ماده قطران در احمدآباد گیلان. این ماده را که در توبخانه مصرف داشت تا آن زمان از روسیه وارد می‌کردند؛^{۱۳} ۱۳- الغای رسم کهن سیورسات؛

۱۴- نظارت بر اعطای بی‌کمو کاست جیره و مواجب و پوشک سربازان؛^{۱۵} ۱۵- متحداً الشکل کردن لباس نظام با اقتباس از اتریش، در ضمن دوختن تکمه شیر و خورشید نخستین بار مرسم شد. این تکمه‌ها را نخست

از انگلیس وارد می‌کردند، ولی بعدها در ایران ساختند و علاوه بر این مشخص گشت که لباس لشکر، خواه کلیجه و خواه شوار، از اقسامه ایران دوخته شود. لباس

نظام از شال چوخا مازندران و ماهورت ایرانی و دیگر پارچه‌های وطني تهیه می‌گردید. کار زردوزی لباس صاحب‌منصبان به خورشیدخانم، یکی از بانوان تهرانی، واگذار شد و از آنجا که خوب از عهده آن برآمد، دولت

مقرر کرد شاگردانی برای خود اختیار کند و تا مدت پنج سال احدي با او در این کار مشارکت ننماید؛ یعنی

این حرفة در اتحصار او قرار گرفت؛^{۱۶} ۱۶- ساخت

دزهای نظامی در ناحیه‌های مرزی و مناطق داخلی که کمتر در امان بودند برای محافظت از این دزهای تعدادی سرباز گماشته شدند؛^{۱۷} ۱۷- تأسیس صندوق

نظام مخارج لشکر مستقیماً، یعنی بدون مراجعة به دستگاه استیقا، از همان صندوق پرداخت می‌شد؛

۱۸- تأسیس نیروی دریایی در خلیج فارس.^{۱۸}

امیرکبیر از طریق توسعه و تجدید سازمان قشون و اصلاح جبهه‌های از مالیه حکومت و عایدات، تحولی را باعث شد که از طریق آن، موجبات اینقای نظام

سیاسی فاجاریه را برای نیم قرن دیگر فراهم ساخت. بعد از امیرکبیر نیز می‌است تجدید سازمان قشون و اصلاح امور مالی با تعديل‌هایی ادامه پیدا کرد، اما

جانشینان امیرکبیر، فاقد انتظام و انسباطی بودند که وی با شوق فراوان برای برقراری آن می‌کوشید.

یکی از مسائل مهمی که در بحث اصلاحات نظامی دوران قاجار نباید از آن غفلت کرد، موضوع مخالفان اصلاحات یا به عبارتی عوامل بازدارنده اقدامات اصلاح‌گرایانه است. از همان زمانی که بنیان‌گذار

نوگرایی، عباس میرزا، برنامه‌های خویش را در زمینه توسعه ارتش آغاز کرد، و اکنشهای ناسازگارانه‌ای بر

ضد وی شکل گرفت. در این میان دولتمردان بانفوذ و محافظی ویژه که سود خویش را در ارتش و نظام سنتی

می‌دیدند، سرسختانه با نوسازی در ارتش مخالفت کردند. نمونه آشکار این مخالفتها، رفتاری است که در

اصفهان در برابر فابویه (Fabvier) — از متخصصان توپخانه ارتش فرانسه — که همراه گاردان به ایران

آمده بود، نشان داده شد. وی با همکاری دوست خود ربول (Reboul) می‌کوشید توپخانه اصفهان

را نوسازی و تقویت کند، ولی حاکم اصفهان و پسرانش با کارشناسی‌های گوناگون مانع اقدامات آنها

می‌شدند.^{۱۹} یکی از دیگر از مخالفان اقدامات اصلاحی